



بسم الله الرحمن الرحيم

صمیمانه تبریک عرض میکنیم به شما جوانان عزیز موفقیت‌هایی را که در این عنفوان جوانی به دست آورده‌اید - هم به فارغ‌التحصیلان این دانشگاه پرافتخار، و هم به جوانانی که امروز سردوشی گرفتند و رسماً در آموزش‌های پاسداری شرکت خواهند کرد - و توفیق شما را از خداوند متعال خواستاریم.

مراسم امروز، هم زیبا بود، هم باشکوه بود، هم پرمغز و پرمعنا بود. از پاسداران عزیز، آزمودگان میدانهای دشوار جهاد فی سبیل الله، همین انتظار هم هست. امیدوارم روزبه‌روز توفیقات شما از سوی پروردگار بیشتر باشد.

سپاه پاسداران در یکی از حساس‌ترین و پیچیده و غامض‌ترین شرائط تاریخ این کشور متولد شد. آسان هم متولد نشد. از آغاز پیدایش و ولادت این نهاد مبارک، مسئولیتهای دشوار بر دوش او قرار گرفت. سرمایه‌ی سپاه در آن روزهای آغازین، جز ایمان و انگیزه و شور انقلابی، چیز دیگری نبود. البته جوانها صلاحیتهای گوناگونی داشتند؛ از دانشگاه‌ها آمده بودند، از بعضی از مراکز نظامی آمده بودند، سابقه‌های شخصی و صلاحیتهای شخصی داشتند؛ اما هیچ تجربه‌ای و نیز هیچ ابزاری برای آن میدان دشوار در اختیارشان نبود. سرمایه‌ی ارزشمند گرانقدر آنان، ایمانشان، شور انقلابی‌شان، آمادگی‌شان برای مجاهدت و جان بر کف نهاده‌شان در این میدان دشوار بود، و موفق شدند. هنوز دوران کوتاهی از آغاز حیات سپاه پاسداران نگذشته بود که درگیری‌های جدی شروع شد. جوانان مؤمن در اطراف و اکناف کشور یا در خود تهران مواجه شدند با میدانهای رزم واقعی. اولین رزمایشهای سپاه، رزمهای واقعی بود. حقیقتاً باید جانهاشان را کف دست میگرفتند و وارد میدان میشدند، و این کار را کردند.

به برکت همان شور انقلابی، همه‌ی عناصر لازم دیگر به دست آمد: تجربه کسب کردند؛ روح ابتکار در آنها به جوشش در آمد؛ یادگیری و فراگیری نسبت به هر آنچه لازم داشتند، در میان آنها يك غلغله‌ی علمی و دانائی عظیمی را به وجود آورد. هرچه لازم داشتند، یاد گرفتند. آنچه که برای میدان رزم معنوی و مادی آنها لازم بود، آن را با ابتکار خودشان به وجود آوردند و در میدانهای رزم درخشیدند؛ هم در رزم مرزی با دشمنان مهاجم و متجاوز، هم در رزم جهادی انقلابی در میدانهای بشدت مغشوش و آمیخته و مبهم درون جامعه؛ و موفق شدند.

جوانان عزیز من! آن مردان صادق و پاکبازی که قاعده‌ی سپاه را چیدند و پایه و بنیان این نهاد مبارک را بنا نهادند، يك چنین مردانی بودند. به برکت اینها بود که سپاه توانست در کشور به عنوان يك نهاد انقلابی فعال و مبتکر و دارای صادرات نیروی انسانی به دیگر دستگاه‌ها، خود را معرفی و تثبیت کند. در طول این سالهای متمادی - در این سی و دو سال - به برکت همان قاعده‌ی مستحکمی که انسانهای مؤمن به وجود آورده بودند، سپاه در صحنه‌های گوناگون حضور داشت و درخشید و خوب عمل کرد و تأثیر خودش را در روند حرکت انقلابی و رو به جلوی این جامعه بروشنی نشان داد. البته بعضی از آنها به فیض شهادت نائل آمدند، به افتخار شهادت رسیدند و دست یافتند، بسیاری هم بحمدالله زنده ماندند و نقش آفرینی کردند. لیکن مسائل کشور، نیاز کشور به نیروهای جهاد مبتکرانه و پرشور و برخاسته‌ی از بصیرت، روزبه‌روز رو به افزایش است. قاعده‌ی روزبه‌روز نو شونده‌ی سپاه باید در همین آموزشگاه‌ها، در همین دانشگاه و در برخورد با حوادث گوناگون شکل بگیرد. امروز آن قاعده، شما هستید. شما فردای سپاه را تشکیل میدهید. شما آن نهالهای مبارکی هستید که این بنای مستحکم در دهه‌های آینده، در سالهای آینده، با آزمونهای گوناگونی که با آن مواجه خواهد شد، بر شما متکی و از شما ناشی خواهد شد. خودتان را برای يك چنین رسالت مهم و دشواری آماده کنید.

اگر پایه‌ها و قواعد در يك نهادی مستحکم و سالم نباشد، بنائی که شکل خواهد گرفت، اطمینان‌بخش نخواهد بود. بنای اطمینان‌بخش سپاه در طول این سالهای متمادی، به برکت ایمان و تلاش مجاهدانه‌ی مردانی بود که قاعده‌ی اصلی سپاه را آنها بنا نهادند. خدای متعال هم به آنها کمک کرد، میدان دفاع مقدس هم مرکز آزمون آنها شد، حضور امام و برکات بیانات آن بزرگوار هم همواره چراغ راه بود؛ لذا توانستند این رسالت را بدرستی ایفاء کنند. شما هم



امروز باید خود را برای ساختن آن آینده آماده کنید.

و من به شما عرض کنم؛ به موازات پیشرفت جامعه، به موازات پیشرفت فنون و علوم در دنیای بشری، و به موازات حرکت تکاملی طبیعی انسان، کار امروز شما از کار اسلاف خودتان در سی سال قبل، مهمتر، پیچیده‌تر، ظریف‌تر و نیازمندتر به دقت و ابراز توانائی‌ها و ابتکارهای ذاتی است. همچنان که امروز انقلاب ما و نظام برآمده‌ی از آن انقلاب، نسبت به سی سال قبل در مراتب بسیار بالاتری قرار دارد، مردان این نظام، مبتکران مجاهد در این نظام و در صفوف مقدم این نظام هم بایستی به همین نسبت جلوتر باشند، پیشتر باشند؛ عالمترا، مهذبتر، شجاع‌تر و بصیرتر از آن گذشته‌ی پرافتخار باشند. و همین هم هست.

من به شما عرض بکنم؛ امروز جوان مؤمن بصیر ما، به خاطر اوضاع و شرائطی که در حرکت تاریخی ملت ما و حرکت تاریخی جهان مشاهده میکند، از آن جوانان دوران اول انقلاب جلوتر است. در دوران اول انقلاب، آن کسانی که در میدان انقلاب جانفشانی میکردند، با انگیزه‌ی ایمان و اعتقاد به آینده‌ی روشن پیش میرفتند؛ اما جوان امروز آن آینده را دارد در مقابل چشم خود می‌بیند.

خدای متعال در مقابل این ملت به وعده‌ی خود وفا کرد. خدای متعال وعده کرده است که اگر با ایمان، در میدان سعی و مجاهدت قدم بردارید، به شما کمک خواهد کرد و به شما نصرت خواهد داد: «ان ینصرکم اللّٰه فلا غالب لکم»؛ (1) وقتی خدا به شما کمک برساند و شما را نصرت کند، هیچ قدرتی نمیتواند بر شما غلبه کند. این وعده‌ی الهی است؛ این وعده را ملت ما و جوانان امروز ما در مقابل چشم دارند می‌بینند.

امپراتوری نظامی و مالی و تبلیغاتی و سیاسی مسلط بر دنیا - یعنی شیطان بزرگ، آمریکا - با همه‌ی توان، با همه‌ی آنچه که در چنته داشت، به میدان نظام جمهوری اسلامی آمد، به میدان انقلاب آمد و خاطر جمع بود که انقلاب را به زانو در می‌آورد. امروز بعد از سی سال، شما نگاه کنید ببینید چه اتفاقی در دنیا افتاده؛ آنها به زانو درآمدند. سیاست بسیار حساس تعیین‌کننده‌ی خاورمیانه‌ای آمریکا بکلی شکست خورده است؛ این را همه دارند می‌بینند و همه به آن اعتراف میکنند. در فلسطین شکست خوردند. مزدوران و یاران و همپیمانان نزدیک خود را از دست دادند. یک روز فقط رژیم طاغوت فاسد پهلوی از دست آنها رفته بود؛ امروز رژیمهای دیگری از دست آنها رفتند یا در شرف از دست رفتند؛ بنابراین متزلزلند. امروز آمریکا در منطقه‌ی غربی آسیا - یعنی همین منطقه‌ی شمال آفریقا و منطقه‌ای که اسم آن را «خاورمیانه» گذاشتند - منزوی است. امروز اسلام در این منطقه زنده است. امروز جوانان با شعار اسلامی وارد میدان میشوند. یک روزی در سی سال پیش، چهل سال پیش، در همین کشورهای شمال آفریقا، اگر کسی میخواست از انگیزه‌های ملی و انقلابی حرفی بزند، به شعارهای چپ متوسل میشد؛ امروز این حرفها دورافتاده است، این حرفها به زباله‌دان تحویل داده شده است. امروز در این منطقه، حرف رائج، سکه‌ی رائج، سخن قاطع، اسلام است و قرآن. این، کم دستاوردی است؟ این همان چیزی است که وقتی انقلاب اسلامی پیروز شد، جمهوری اسلامی به نام اسلام و قرآن در این منطقه پرچم برافراشت، آنها به خودشان لرزیدند. گفتند ممکن است چنین چیزی پیش بیاید، لذا تلاش کردند که نگذارند؛ اما علی‌رغم آنها، امروز پیش آمده. جوان امروز ما دارد این را در مقابل خودش می‌بیند.

وقتی مادر حضرت موسی، موسی را به آب می‌انداخت، خداوند متعال دو وعده به او داد. فرمود: «انا رادّوه الیک و جاعلوه من المرسلین»؛ (2) او را به تو برمیگردانیم و او را پیامبر مرسل خودمان قرار میدهیم. به فاصله‌ی کوتاهی بچه به مادر برگشت. خداوند میفرماید: «فرددناه الی امّه کی تقرّ عینها و لا تحزن و لتعلم انّ وعد اللّٰه حقّ»؛ (3) بچه را به مادر برگردانیم تا مادر یقین کند که وعده‌ی ما وعده‌ی درستی است. ما دو وعده داده بودیم، این اولی‌اش؛ پس ای مادر موسی! بدان که وعده‌ی دومی هم حق است: او پیغمبر مرسلی است که خواهد آمد و بساط فرعون را به هم خواهد ریخت. خدای متعال بخشی از وعده را نقد در اختیار مادر موسی گذاشت تا به آن وعده‌ی نسبی یقین کند. بخشی که خدای متعال به صورت نقد در اختیار ملت ایران قرار داده، خیلی بیشتر از اینهاست. کی تصور میکرد جوانان فلسطینی جرأت کنند به نام اسلام متشکل شوند، به نام اسلام شعار بدهند، به نام اسلام به نیروهای غاصب ظالم بی‌رحم صهیونیست حمله کنند؟ این اتفاق افتاده. در دو هفته‌ی گذشته، در «یوم النکبة» جوانها مرزهای



اسرائیل را برای اول بار بعد از گذشت شصت سال شکستند. اینها همان «و لتعلم ان وعد الله حق» است. این دارد نشان میدهد که بدانید وعده‌ی الهی که فرمود: «لیظهره علی الدین کله» (4) - خدای متعال این دین را، این رسالت را بر همه‌ی فرآورده‌های فکری و دینی عالم پیروز خواهد کرد - درست است. خدا دارد این وعده‌های نقد را تحقق میبخشد؛ فقط شرطش این است که من و شما که در این راه سربازان پیشرو این حرکت در دوران معاصر بودیم، قدممان را سست نکنیم، حواسمان جای دیگر نرود.

گناه بزرگ و نابخشودنی آن کسانی که در حرکت عظیم انقلابی ملت ایران به پشت سر نگاه کردند، به خود نگاه کردند - به شهوات خود، به قدرت‌طلبی‌های خود - یادشان رفت که این ملت برای چه انقلاب کرده است و این حرکت معنایش چیست، این است که پا سست کردند. البته ملت بحمدالله از آنها یاد نگرفت و یاد نخواهد گرفت، اما همه‌مان باید مواظب باشیم. در این حرکت عظیم شتابان به سمت جلو، که خدای متعال هم دارد بشائر پیروزی را پی‌درپی در مقابل چشم ما قرار میدهد، باید کسی پا سست نکند.

جوانان عزیز من! شما جزو برگزیدگان این حرکت پیشرو هستید؛ خودتان را آماده کنید. شما احتیاج به دانش دارید، فرا بگیرید؛ احتیاج به تهذیب نفس دارید، به آن پردازید. اگر ما خودمان را تهذیب نکنیم، جلوه‌های فریبنده‌ی مادی دنیا ما را مشغول خواهد کرد. وقتی در بین یک راه، روندگان این راه فراموش کنند هدفشان چیست، قهوه‌خانه‌ی سر راه آنها را به خودشان مشغول کند، یادشان برود کجا میرفتند، خطر بزرگی آنها را تهدید خواهد کرد. مراقب باشید؛ علم، تهذیب نفس، تجربه، و در محیط نظامی، انضباط. انضباط برخاسته‌ی از انگیزه‌های معنوی، یقیناً تأثیر آن از انضباط‌های مقرراتی و صوری بسیار بیشتر خواهد بود. خوشبختانه امروز نیروهای مسلح در سازمانهای مختلف - هم در ارتش، هم در سپاه، هم در نیروی انتظامی، هم در مجموعه‌ی عظیم بسیج - از این سرمایه‌ی معنوی برخوردارند. امروز جوانان ما در نیروهای مسلح به معنا می‌اندیشند؛ و این فرصت بزرگی است و آینده‌ی بزرگی را نوید میدهد. پروردگارا! این جوانان عزیز را سربازان حقیقی اسلام و قرآن قرار بده. پروردگارا! به آنها توفیق تداوم این راه مرحمت بفرما و مشمول دعای حضرت بقیةالله قرار بده.

والسلام علیکم ورحمةالله

(1) آل عمران: 160

(2) قصص: 7

(3) قصص: 13

(4) توبه: 33